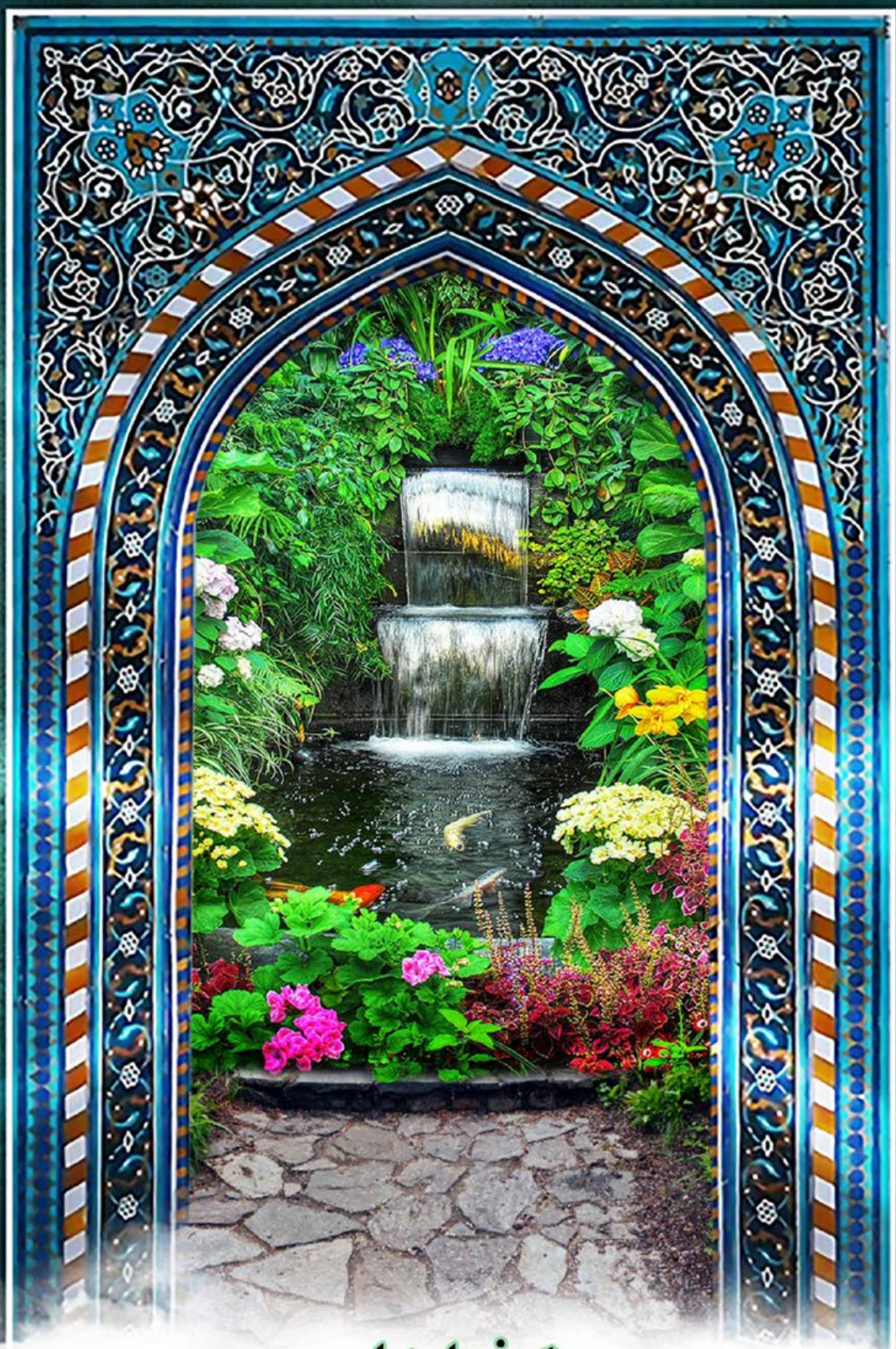




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بسم الله الرحمن الرحيم

هشت گفتار از آن جناب در نهی از ساختن و نصب کردن نگاره و مجسمه

۱. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمُنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَّاسَانِيَّ يَقُولُ: سَمِعْتُ فِي الْبَيْتِ يَجْمَعُ الشَّيَاطِينَ كَمَا يَجْمَعُ الرَّجْسُ الدَّبَّانَ: الْخُمْرُ وَالتَّمَثُّالُ وَالْصُّورَةُ وَالْكَلْبُ وَالشَّطْرَنْجُ وَآلَةُ الْغِنَاءِ.

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: شش چیز در خانه، شیاطین را جمع می‌کنند همان طور که آلودگی مگس‌ها را جمع می‌کند: شراب، مجسمه، نگاره، سگ، شطرنج و ابزار غناء.

۲. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: دَخَلَ الْمُنْصُورُ بَيْتًا فَرَأَى فِيهِ تَمَاثِيلَ مَنْصُوبَةً، فَتَعَبَّرَ وَجْهَهُ وَقَالَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾^۱؟ قَالُوا: إِنَّمَا نَصَبْنَاهَا لِلزَّيْنَةِ! قَالَ: لَا تَخْلُقُونَهَا إِلَّا كَمَا يَخْلُقُهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَا تَنْصُبُونَهَا إِلَّا كَمَا يَنْصُبُهَا الْمُشْرِكُونَ!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: منصور به خانه‌ای درآمد، پس در آن تمثال‌هایی نصب شده دید، پس رویش دگرگون شد و به اهل خانه فرمود: «چیست این تمثال‌هایی که شما ملازم آن‌ها هستید؟»، گفتند: آن‌ها را تنها برای زینت نصب کرده‌ایم! فرمود: آن‌ها را نمی‌سازید مگر چنانکه مشرکان می‌سازند و آن‌ها را نصب نمی‌کنید مگر چنانکه مشرکان نصب می‌کنند!

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: مَرَّ الْمَنْصُورُ عَلَى تِمْتَالٍ لِبَعْضِ أَئِمَّةِ الْجُورِ قَدْ نُصِبَ فِي شَارِعٍ فَمَسَّهُ بِيَدِهِ لِيَدُلَّنَا عَلَيْهِ وَقَالَ: مَنْ مَثَلٌ تِمْتَالًا مِثْلَ هَذَا فَقَدْ أَشْرَكَ، ثُمَّ دَخَلَ مَسْجِدًا لِيُصَلِّيَ فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ ذَكَرَ شَيْئًا فَأَنْصَرَفَ حَتَّى غَسَلَ يَدَهُ، ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ: إِنِّي ذَكَرْتُ أَنِّي مَسَسْتُ رَجُلًا مِنَ الْأَوْتَانِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَغْسَلَ يَدِي، ثُمَّ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهَا أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: إِنَّ الْمُسْتَوْرِدَ الْعَجَلِيَّ تَنَصَّرَ بَعْدَ إِسْلَامِهِ، فَبَعَثُوا بِهِ إِلَيَّ، فَاسْتَتَابَهُ وَهُوَ يُرِيدُ الصَّلَاةَ فَأَبَى عَلَيْهِ، فَقَالَ عَلِيٌّ: إِنِّي أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَيْكَ، فَقَالَ الْمُسْتَوْرِدُ: وَأَنَا أَسْتَعِينُ الْمَسِيحَ عَلَيْكَ، فَأَهْوَى عَلِيٌّ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ فَإِذَا هُوَ بِصَلِيبٍ فَقَطَعَهَا، فَلَمَّا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ قَدَّمَ رَجُلًا وَذَهَبَ، ثُمَّ أَخْبَرَ النَّاسَ أَنَّهُ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لِحَدِيثٍ أَحَدْتُهُ، لَكِنَّهُ مَسَّ هَذِهِ الْأَنْجَاسَ فَأَحَبَّ أَنْ يُحَدِّثَ مِنْهَا وَضُوءًا، قُلْنَا: وَمَا فَعَلَ بِالْمُسْتَوْرِدِ؟ قَالَ: قَتَلَهُ فَطَلَبَتِ النَّصَارَى جِيفَتَهُ بِثَلَاثِينَ أَلْفًا فَأَبَى عَلِيٌّ وَأَحْرَقَهُ.

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: منصور بر مجسمه‌ی یکی از امامان جور که در خیابانی نصب شده بود گذشت، پس آن را با دستش لمس کرد تا به ما نشانش دهد و فرمود: هر کس مجسمه‌ای مانند این بسازد مشرک شده است، سپس به مسجدی درآمد تا نماز گزارد، پس چون خواست وارد نماز شود چیزی را به یاد آورد، پس برگشت تا اینکه دستش را شست، سپس بازآمد پس فرمود: من به یاد آوردم که نجاستی از بت‌ها را لمس کردم، پس خواستم که دستم را بشویم، سپس به نماز وارد شد، پس چون از آن فراغت یافت به ما روی کرد و فرمود: مستورد عجل‌ی پس از اسلامش مسیحی شد، پس او را به نزد علی فرستادند، پس در حالی که راهی نماز بود از او خواست که توبه کند، ولی سر باز زد، پس علی فرمود: من از خداوند بر ضدّ تو یاری می‌خواهم، پس مستورد گفت: من از مسیح بر ضدّ تو یاری می‌خواهم، پس علی دستش را به گردن او برد، پس صلیبی را یافت، پس آن را پاره کرد، پس چون به نماز درآمد مردی را پیش کرد و خود رفت، سپس مردم را خبر داد که این کار را به خاطر حدثی که از او سر زده باشد انجام نداد، بلکه این نجاست‌ها را لمس کرد، پس خواست که وضوی خود را از آن‌ها تازه کند، گفتیم: با مستورد چه کرد؟ فرمود: او را کشت، پس مسیحیان جسد او را به سی هزار (سکه) مطالبه کردند، ولی علی سر باز زد و آن را سوزاند.

۴. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحَجَنْدِيُّ، قَالَ: دَخَلَ الْمَنْصُورُ دُكَانَ رَجُلٍ فِي السُّوقِ فَرَأَى فِيهِ صُورَةَ قَائِدِهِمْ قَدْ نُصِبَتْ عَلَى جِدَارٍ، فَقَالَ: هَذَا رَجُلٌ هَذَا مِنَ الْأَنْصَابِ! قَالَ الرَّجُلُ: إِنَّا لَا نَعْبُدُهُ وَلَكِنَّا نُطِيعُهُ! فَقَالَ الْمَنْصُورُ: وَهَلِ الْعِبَادَةُ إِلَّا الطَّاعَةُ؟ ثُمَّ قَالَ: كُلُّ مَا نُصِبَ مِنْ صُورَةِ إِنْسَانٍ أَوْ تِمْتَالِهِ فَهُوَ مِنَ الْأَنْصَابِ، عُبِدَ أَمْ لَمْ يُعْبَدَ.

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید حُجندی ما را خبر داد، گفت: منصور به دگان مردی در بازار داخل شد، پس در آن تصویر رهبرشان را دید که بر روی دیواری نصب شده است، پس فرمود: این نجس است این از بت‌هاست! مرد گفت: ما او را عبادت نمی‌کنیم، بلکه اطاعت می‌کنیم! پس منصور فرمود: و آیا عبادت جز اطاعت است؟! سپس فرمود: هر چیزی از تصویر انسان یا مجسمه‌ی او که نصب شود، آن از بت‌هاست، عبادت شود یا عبادت نشود.

۵. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْأَنْصَابِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱، فَقَالَ: كُلُّ مَا نُصِبَ لِلنَّاسِ مِنْ صُورَةٍ أَوْ تَمَثَالٍ فَهُوَ مِنَ الْأَنْصَابِ سِوَاءَ عَبْدٍ أَمْ لَمْ يُعْبَدْ، قُلْتُ: وَمَا نَصْبُهُ؟ قَالَ: وَضَعُهُ عَلَى طَرِيقٍ أَوْ بَابٍ أَوْ جِدَارٍ أَوْ حِجَابٍ أَوْ مِنْصَدَةٍ.

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی انصاب در سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که شراب و قمار و انصاب و تیرهای بخت‌آزمایی نجاستی از کارهای شیطان هستند، پس از آن‌ها دوری کنید باشد که رستگار شوید»، پس فرمود: هر چیزی از تصویر یا مجسمه که برای مردم نصب شود، آن از انصاب است، خواه پرستش شود و خواه پرستش نشود، گفتیم: (مقصود از) نصب آن چیست؟ فرمود: قرار دادن آن بر راه یا در یا دیوار یا پرده یا میزی.

۶. أَخْبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجُوزْجَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ التَّصْوِيرِ، فَقَالَ: لَا يَعْمَلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ، قُلْتُ: لِمَذَا؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُصَوِّرُ فَكَرِهَ أَنْ يَتَشَبَّهُوا بِهِ فِي ذَلِكَ لِتَكْبُرِهِ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ! قُلْتُ: أَمَا كَانَ لِسُلَيْمَانَ شَيَاطِينُ يَعْمَلُونَ لَهُ تَمَاتِيلَ؟! قَالَ: إِنَّمَا كَانُوا يَعْمَلُونَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْهَا بِإِذْنِ اللَّهِ فَقَدْ عَارَضَ اللَّهَ فِي خَلْقِهِ وَمَنْ عَارَضَ اللَّهَ فِي خَلْقِهِ يُعَارِضُهُ اللَّهُ فِي خَلْقِهِ فَيَقُولُ لَهُ: أَخِي مَا خَلَقْتَ كَمَا أَحْيَيْتُ مَا خَلَقْتُ! ﴿فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۲.

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی صورت‌نگری پرسیدم، پس

۱. المائدة / ۹۰

۲. البقرة / ۲۵۸



أَمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي جَنَّ سُلَيْمَانَ: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ﴾^۱! فَقَالَ: إِفْرَأْ مَا قَالَ قَبْلَ هَذَا! فَقَرَأْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾^۲، فَقَالَ: مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَهُ إِلَّا بِإِذْنِ رَبِّهِ!

ترجمه‌ی گفتار:

حمزة بن جعفر قمی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور از تصویرگری و مجسمه‌سازی نهی می‌کند، پس به او گفتم: آیا خداوند بلندمرتبه درباره‌ی جنیان سلیمان نفرموده است: «برای او هر چه می‌خواست می‌ساختند از محراب‌ها و تماثیل‌ها»؟! پس فرمود: چیزی که قبل از این فرموده است را بخوان، پس سخن او را خواندم که فرموده است: «و از جنیان کسانی بودند که در برابرش با اذن پروردگارش می‌ساختند و هر کس از آن‌ها از امر ما سر می‌پیچید او را از عذاب سوزان می‌چشانیم»، پس فرمود: برای او نمی‌ساختند مگر با اذن پروردگارش!

شرح گفتار:

برای خواندن شرح این حکمت‌های نورانی، به پرسش و پاسخ ۳۱۴ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



۱. سبأ/ ۱۳

۲. سبأ/ ۱۲

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی، حفظه‌الله تعالی



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب آیین

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.